

ماده ۳۷۹ - دیه مجموع چهار پلک دو چشم دیه کامل خواهد بود و دیه پلکهای بالا ثلث دیه کامل و دیه پلکهای پائین نصف دیه کامل است.

فصل سوم - دیه بینی

ماده ۳۸۰ - از بین بردن تمام بینی دفعتاً یا نرمه آن که پایین قصب و استخوان بینی است موجب دیه کامل است و از بین بردن مقداری از نرمه بینی موجب همان نسبت دیه می باشد.

ماده ۳۸۱ - از بین بردن مقداری از استخوان بینی بعد از بریدن نرمه آن موجب دیه کامل و ارش می باشد.

ماده ۳۸۲ - اگر با شکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی را فاسد کنند در صورتی که اصلاح نشود موجب دیه کامل است و اگر بدون عیب جبران شود موجب یکصد دینار می باشد.

ماده ۳۸۳ - فلج کردن بینی موجب دو ثلث دیه کامل است و از بین بردن بینی فلج موجب ثلث دیه کامل می باشد.

ماده ۳۸۴ - از بین بردن هر یک از سوراخهای بینی موجب ثلث دیه کامل است و سوراخ کردن بینی بطوری که هر دو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ نماید در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس دیه می باشد.

ماده ۳۸۵ - ديه از بين بردن نوک بينی که محل چکيدن خون است نصف ديه کامل می باشد.

فصل چهارم - ديه گوش

ماده ۳۸۶ - از بين بردن مجموع دو گوش ديه کامل دارد و از بين بردن هر کدام نصف ديه کامل و از بين بردن مقداری از آن موجب ديه همان مقدار با رعايت نسبت به تمام گوش خواهد بود.

ماده ۳۸۷ - از بين بردن نرمة گوش ثلث ديه آن گوش را دارد و از بين بردن قسمتی از آن موجب ديه به همان نسبت خواهد بود.

ماده ۳۸۸ - پاره کردن گوش ثلث ديه دارد.

ماده ۳۸۹ - فلج کردن گوش دو ثلث ديه و بریدن گوش فلج ثلث ديه را دارد.

تبصره - هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوائی سرایت کند و به آن آسیب رساند يا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شود برای هر کدام ديه جداگانه ای خواهد بود.

ماده ۳۹۰ - گوش سالم و شنوا و گوش کر در احکام مذکور در موارد فوق یکسانند.

فصل پنجم - دیه لب

ماده ۳۹۱ - از بین بردن مجموع دو لب دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام از لبها دیه کامل و از بین بردن هر مقداری از لب موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود.

ماده ۳۹۲ - جنایتی که لبها را جمع کند و در اثر آن دندانها را نپوشاند موجب مقداری است که حاکم آن را تعیین می نماید.

ماده ۳۹۳ - جنایتی که موجب سست شدن لبها بشود بطوری که خنده و مانند آن از دندانها کنار نرود موجب دو ثلث دیه کامل می باشد.

ماده ۳۹۴ - از بین لبهای فلج و بی حس ثلث دیه دارد.

ماده ۳۹۵ - شکافتن یک یا دو لب بطوری که دندانها نمایان شوند موجب ثلث دیه کامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس دیه کامل خواهد بود.

فصل ششم - دیه زبان

ماده ۳۹۶ - از بین بردن تمام زبان سالم یا لال کردن انسان سالم یا ضربه مغزی و مانند آن دیه کامل دارد و بریدن تمام زبان

لال ثلث ديه كامل خواهد بود.

ماده ۳۹۷ - از بين بردن مقداری از زبان لال موجب ديه همان مقدار با رعايت نسبت به تمام زبان خواهد بود ولي ديه قسمتی از زبان سالم به نسبت از دادن قدرت ادای حروف خواهد بود.

ماده ۳۹۸ - تعيين مقدار ديه جنائتی که بر زبان وارد شده و موجب از بين رفتن حروف نشود لکن باعث عيب گردد با تعيين حاکم خواهد بود.

ماده ۳۹۹ - هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث از بين رفتن قدرت ادای مقداری از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث از بين رفتن مقداری از باقی حروف گردد ديه به نسبت از بين رفتن قدرت ادای حروف می باشد.

ماده ۴۰۰ - بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب ديه كامل است.

ماده ۴۰۱ - بریدن زبان کودکی که به حد سخن گفتن رسیده ولي سخن نمی گوید ثلث ديه دارد و اگر بعداً معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته ديه كامل محسوب و بقیه از جانی گرفته می شود.

ماده ۴۰۲ - هرگاه جنائتی موجب لال شدن گردد و ديه كامل از جانی گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگردد و سالم شود ديه مسترد خواهد شد.

فصل هفتم - دیه دندان

ماده ۴۰۳ - از بین بردن تمام دندانهای بیست و هشتگانه دیه کامل دارد و به ترتیب زیر توزیع می‌شود:

۱- هر یک از دندانهای جلو که عبارتند از پیش و چهارتائی و نیش که از هر کدام دوعدد در بالا دوعدد در پایین می‌روید و جمعاً دوازده تا خواهد بود. پنجاه دینار و دیه مجموع آنها ششصد دینار می‌شود.

۲- هر یک از دندانهای عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پائین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده تا خواهد بود بیست و پنج دینار و دیه مجموع آنها چهارصد دینار می‌شود.

ماده ۴۰۴ - دندانهای اضافی به هر نام که باشد و بهر طرز که روئیده شود دیه‌ای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود تعیین مقدار ارزش آن با قاضی است و اگر هیچگونه نقصی حاصل نشود ارزش نخواهد داشت ولی بنظر قاضی تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.

ماده ۴۰۵ - هرگاه دندانها از بیست و هشت تا کمتر باشد بهمان نسبت از دیه کامل کاهش می‌یابد خواه خلقتاً کمتر باشد یا در اثر عارضه‌ای کم شده باشد.

ماده ۴۰۶ - فرقی میان دندانهایی که دارای رنگهای گوناگون می باشد نیست و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیافتد ديه آن دو ثلث ديه همان دندان است که سالم باشد و ديه دندانی که قبلاً سیاه شده ثلث همان دندان سالم است.

ماده ۴۰۷ - شکاف (اشقاق) دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد تعیین جریمه مالی آن با حاکم است.

ماده ۴۰۸ - شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقاء ریشه ديه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقيه را از ریشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود خواه کسی که بقيه را از ریشه کنده همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته یا دیگری.

ماده ۴۰۹ - کندن دندان شیری کودک که دیگر بجای آن دندان نروید ديه کامل آنرا دارد و اگر بجای آن دندان بروید ديه هر دندان شیری که کنده شد یک شتر می باشد.

ماده ۴۱۰ - دندانی که کنده شود ديه کامل دارد گرچه همان را در محلش قرار دهند و دوباره مانند سابق شود.

ماده ۴۱۱ - هرگاه دندان دیگری بجای دندان اصلی کنده شده قرار گیرد و مانند دندان اصلی شود کندن آن ديه کامل دارد.

فصل هشتم - دیه گردن

ماده ۴۱۲ - شکستن گردن بطوری که گردن کج شود دیه کامل دارد.

ماده ۴۱۳ - جنایتی که موجب کج شدن گردن شود و همچنین جنایتی که مانع فرو بردن غذا گردد جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود.

ماده ۴۱۴ - هرگاه جنایتی که موجب کج شدن گردن و همچنین مانع فرو بردن غذا شده اثر آن زایل گردد دیه ندارد فقط باید ارزش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن با دشواری بتواند گردن را مستقیم نگه بدارد یا غذا را فرو ببرد.

فصل نهم - دیه فک

ماده ۴۱۵ - از بین بردن مجموع دو فک دیه کامل دارد و دیه هر کدام آنها پانصد دینار می باشد و از بین بردن مقداری از هر یک موجب دیه مساحت همان مقدار است و دیه از بین بردن یک فک با مقداری از فک دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فک دیگر خواهد بود.

ماده ۴۱۶ - دیه فک مستقل از دیه دندان می باشد و اگر فک

با دندان از بين برود ديه هر يك جداگانه محسوب مي‌گردد.
 ماده ۴۱۷ - جنایتي که موجب نقص فک شود يا باعث
 دشواری و نقص جویدن گردد تعيين جریمه مالی آن با نظر حاکم
 است.

فصل دهم - ديه دست و پا

- ماده ۴۱۸ - از بين بردن مجموع دو دست تا مفصل مچ ديه
 کامل دارد و ديه هر کدام از دست‌ها نصف ديه کامل است خواه
 مجنی عليه دارای دو دست باشد يا یک دست و دست ديگر را
 خلقتاً يا در اثر سانحه‌ای از دست داده باشد.
- ماده ۴۱۹ - ديه قطع انگشتان هر دست تنها يا تا مچ پانصد
 دينار است.
- ماده ۴۲۰ - جریمه مالی بریدن کف دست که خلقتاً بدون
 انگشت بوده و يا در اثر سانحه‌ای بدون انگشت شده است با نظر
 حاکم تعيين می‌شود.
- ماده ۴۲۱ - ديه قطع دست تا آرنج پانصد دينار است خواه
 دارای کف باشد و خواه نباشد و همچنين ديه قطع دست تا شانه
 پانصد دينار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد.
- ماده ۴۲۲ - ديه دستي که دارای انگشت است اگر بیش از
 مفصل مچ قطع شود و يا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دينار

- است باضافه ارش که با در نظر گرفتن مساحت تعیین می شود.
- ماده ۴۲۳ - کسی که از مچ یا آرنج یا شانهاش دو دست داشته باشد دیه دست اصلی پانصد دینار است و نسبت به دست زائد قاضی به هر نحو که مصلحت بداند نزاع را خاتمه می دهد.
- تشخیص دست اصلی و زائد بنظر خبره خواهد بود.
- ماده ۴۲۴ - دیه ده انگشت دو دست و همچنین دیه ده انگشت دو پا دیه کامل خواهد بود، دیه هر انگشت عشر دیه کامل است.
- ماده ۴۲۵ - دیه هر انگشت به عدد بندهای آن انگشت تقسیم می شود و بریدن هر بندی از انگشت های غیر شست ثلث دیه انگشت سالم و در شست نصف دیه شست سالم است.
- ماده ۴۲۶ - دیه انگشت زائد ثلث دیه انگشت اصلی است و دیه بندهای زائد ثلث دیه بند اصلی است.
- ماده ۴۲۷ - دیه فلج کردن هر انگشت دو ثلث دیه انگشت سالم است و دیه قطع انگشت فلج ثلث دیه انگشت سالم است.
- ماده ۴۲۸ - احکام مذکور در مواد این فصل در پا نیز جاری است.

فصل یازدهم - دیه ناخن

- ماده ۴۲۹ - کندن ناخن بطوری که دیگر نروید یا فاسد و سیاه بروید ده دینار و اگر سالم و سفید بروید پنج دینار است.

فصل دوازدهم - ديه ستون فقرات

ماده ۴۳۰ - شکستن ستون فقرات ديه کامل دارد خواه اصلاً درمان شود يا بعد از علاج به صورت کمان و خمیدگی در آيد يا آنکه بدون عصا نتواند راه برود يا توانائی جنسی او از بين برود يا مبتلا به سلس و ریزش ادرار گردد و نیز ديه جنائیتی که باعث خمیدگی پشت شود يا آنکه قدرت نشستن يا راه رفتن را سلب نماید ديه کامل خواهد بود.

ماده ۴۳۱ - هرگاه بعد از شکستن يا جنایت وارد نمودن بر ستون فقرات معالجه موثر شود و اثری از جنایت نماند جانی باید یکصد دینار بپردازد.

ماده ۴۳۲ - هرگاه شکستن ستون فقرات باعث فلج شدن هر دو پا شود برای شکستن ديه کامل و برای فلج دو پا دو ثلث ديه کامل منظور می‌گردد.

فصل سیزدهم - ديه نخاع

ماده ۴۳۳ - قطع تمام نخاع ديه کامل دارد و قطع بعضی از آن به نسبت مساحت خواهد بود.

ماده ۴۳۴ - هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود

اگر آن عضو دارای دیه معین باشد بر دیه کامل قطع نخاع افزوده می‌گردد اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد ارزش آن بر دیه کامل قطع نخاع افزوده خواهد شد.

فصل چهاردهم - دیه بیضه

ماده ۴۳۵ - قطع دو بیضه دفعتاً دیه کامل و قطع بیضه چپ دو ثلث دیه و قطع بیضه راست ثلث دیه دارد.
تبصره - فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست.
ماده ۴۳۶ - دیه ورم کردن دو بیضه چهارصد دینار است و اگر تورم مانع از راه رفتن مفید شود دیه آن هشتصد دینار خواهد بود.

فصل پانزدهم - دیه دنده

ماده ۴۳۷ - دیه هر یک از دنده‌هایی که در پهلوی چپ واقع شده و محیط به قلب می‌باشد بیست و پنج دینار و دیه هر یک از سایر دنده‌ها ده دینار است.

فصل شانزدهم - ديه استخوان زیر گردن

ماده ۴۳۸ - شکستن مجموع دو استخوان ترقوه ديه کامل دارد و شکستن هر کدام از آنها که درمان نشود يا با عيب درمان شود نصف ديه کامل است و اگر بخوبی درمان شود چهل دينار می باشد.

فصل هفدهم - ديه نشيمن گاه

ماده ۴۳۹ - شکستن استخوان نشيمن گاه (دنبالچه) که موجب شود مجنی عليه قادر به ضبط مدفوع نباشد ديه کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط باد نباشد ارش پرداخت خواهد شد.

ماده ۴۴۰ - ضربه ای که به حد فاصل بیضه ها و دبر واقع شود و موجب عدم ضبط ادرار يا مدفوع گردد ديه کامل دارد و همچنین اگر ضربه به محل دیگری وارد آید که در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختیار مجنی عليه نباشد.

ماده ۴۴۱ - از بين بردن بکارت دختر با انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر ديه کامل زن، مهرالمثل نیز دارد.

فصل هجدهم - دیه استخوانها

ماده ۴۴۲ - دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهار پنجم دیه شکستن آن است و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو و در صورت درمان بدون عیب چهار پنجم دیه خرد شدن استخوان می باشد.

ماده ۴۴۳ - در جدا کردن استخوان از عضو بطوری که آن عضو بی فائده گردد دو ثلث دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شود، دیه آن چهار پنجم دیه اصل جدا کردن می باشد.

فصل نوزدهم - دیه عقل

ماده ۴۴۴ - هر جنایتی که موجب زوال عقل گردد دیه کامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود ارش دارد.

ماده ۴۴۵ - از بین بردن عقل یا کم کردن آن موجب قصاص نخواهد شد.

ماده ۴۴۶ - هرگاه در اثر جنایتی مانند ضربه مغزی و شکستن سر یا بریدن دست، عقل زائل شود برای هر کدام دیه

جداگانه خواهد بود و تداخل نمی شود.

ماده ۴۴۷ - هرگاه در اثر جنایتی عقل زایل شود و دیه کامل از جانی دریافت شود و دوباره عقل برگردد دیه مسترد می شود و ارش پرداخت خواهد شد.

ماده ۴۴۸ - مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان آن دو نفر خبره عادل می باشد و اگر در اثر اختلاف رأی خبرگان زوال یا نقصان عقل ثابت نشود قول جانی با سوگند مقدم است.

فصل بیستم - دیه حس شنوائی

ماده ۴۴۹ - از بین بردن حس شنوائی مجموع دو گوش دیه کامل و از بین بردن حس شنوائی یک گوش نصف دیه کامل دارد گرچه شنوائی یکی از آن دو قوی تر از دیگری باشد.

ماده ۴۵۰ - هرگاه کسی فاقد حس شنوائی یکی از گوش ها باشد کر کردن گوش سالم او نصف دیه دارد.

ماده ۴۵۱ - هرگاه معلوم باشد که حس شنوائی برنمی گردد یا دو نفر عادل اهل خبره گواهی دهند که برنمی گردد دیه مستقر می شود و اگر اهل خبره امید به برگشت آن را پس از گذشت مدت معینی داشته باشد و با گذشتن آن مدت شنوائی برنگردد دیه استقرار پیدا می کند و اگر شنوایی قبل از دریافت دیه برگردد ارش ثابت می شود و اگر بعد از دریافت آن برگردد دیه مسترد

نمی‌شود و اگر مجنی علیه قبل از دریافت دیه بمیرد دیه ثابت خواهد بود.

ماده ۴۵۲ - هرگاه با بریدن هر دو گوش شنوائی از بین برود دو دیه کامل لازم است و هرگاه با بریدن یک گوش حس شنوائی بطور کلی از بین برود یک دیه کامل و نصف دیه لازم میشود اگر با جنایت دیگری حس شنوائی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه شنوائی.

تبصره - هرگاه دو نفر عادل اهل خبره گواهی دهند که شنوایی از بین نرفته ولی در مجرای آن نقصی رخ داده که مانع شنوائی است همان دیه شنوائی ثابت است.

ماده ۴۵۳ - هرگاه کودکی که زبان باز نکرده در اثر کر شدن نتواند سخن بگوید جانی علاوه بر دیه شنوائی به پرداخت ارش محکوم می‌شود.

ماده ۴۵۴ - هرگاه در اثر جنایتی حس شنوائی و گویشی از بین برود دو دیه کامل دارد.

ماده ۴۵۵ - اگر کسی سبب پاره شدن پرده گوش دیگری شود محکوم به پرداخت ارش است.

ماده ۴۵۶ - در صورت اختلاف جانی و مجنی علیه هرگاه با نظر خبره معتمد موضوع روشن نشود مورد از باب لوث است و مجنی علیه با قسامه دیه را دریافت خواهد کرد.

فصل بیستم و یکم - ديه بينائى

ماده ۴۵۷ - از بين بردن بينائى هر دو چشم ديه کامل دارد و از بين بردن بينائى يك چشم نصف ديه کامل دارد.

تبصره - فرقى در حكم مذکور بين چشم تيزبين يا لوچ يا شب كور و مانند آن نمى باشد.

ماده ۴۵۸ - هرگاه با كندن حدقه چشم، بينائى از بين برود ديه آن پيش از ديه كندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنائت ديگر مانند شكستن سر، بينائى از بين برود هم ديه جنائت يا ارش آن لازم است و هم ديه بينائى.

ماده ۴۵۹ - در صورت اختلاف بين جاني و مجنى عليه با گواهي دو مرد خبره عادل يا يك خبره مرد و دو زن خبره عادل به اينكه بينائى از بين رفته و ديگر برنمى گردد يا اينكه بگويند اميد به برگشت آن هست ولى مدت آن را تعيين نکنند ديه ثابت مى شود و همچنين اگر براي برگشت آن مدت متعارفى تعيين نمايند و آن مدت سپرى شود و بينائى برنگردد ديه ثابت خواهد بود.

و هرگاه مجنى عليه قبل از سپرى شدن مدت تعيين شده بميرد ديه استقرار مى يابد و همچنين اگر ديگرى حدقه او را بکند ديه بينائى بر جاني اول ثابت خواهد بود.

و هرگاه بینائی برگردد و شخص دیگری آن چشم را بکند، بر جانی اول فقط ارش لازم می باشد.

ماده ۴۶۰ - هرگاه مجنی علیه مدعی شود که بینائی هر دو چشم یا یک چشم او کم شده به ترتیب با آزمایش و سنجش با همسالان یا با مقایسه با چشم دیگرش به نسبت تفاوت دیده پرداخت می شود و در صورتیکه از طریق آزمایش علم حاصل نشود از طریق قسامه اقدام می شود.

ماده ۴۶۱ - هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینائی او زایل شده و شهادتی از متخصصان در بین نباشد حاکم او را با قسامه سوگند می دهد و بنفع او حکم صادر می کند.

تبصره - قسامه برای کوری دو چشم شش قسم و برای کوری یک چشم سه قسم و برای کم شدن بینائی به نسبت کم شدن آن می باشد اعم از اینکه مدعی به تنهایی قسم یاد کند یا با افراد دیگر.

فصل بیست و دوم - دیه حس بویائی

ماده ۴۶۲ - از بین بردن حس بویائی هر دو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویائی یک مجری نصف دیه است و قاضی در مورد اخیر قبل از صدور حکم باید به طرفین تکلیف صلح بنماید.

ماده ۴۶۳ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه هرگاه با آزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویایی یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (طبق تبصره ماده ۴۶۱) به نفع مدعی حکم می‌شود.

ماده ۴۶۴ - هرگاه حس بویایی قبل از پرداخت دیه برگردد ارش آن پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت انتظار بازگشت بویایی بمیرد دیه ثابت می‌شود.

ماده ۴۶۵ - هرگاه در اثر بریدن بینی حس بویایی از بین برود دیه لازم می‌شود و اگر در اثر جنایت دیگر بویایی از بین رفت دیه جنایت بر دیه بویائی افزوده می‌شود و اگر آن جنایت دیه معین نداشته باشد ارش آن بر دیه بویایی اضافه خواهد شد.

فصل بیست و سوم - دیه چشائی

ماده ۴۶۶ - از بین بردن حس چشائی موجب ارش است.

ماده ۴۶۷ - هرگاه با بریدن زبان حس چشایی از بین برود بیش از دیه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حس چشایی از بین برود دیه یا ارش آن جنایت بر ارش حس چشایی افزوده می‌گردد.

ماده ۴۶۸ - در صورتی که حس چشایی برگردد ارش مسترد

می‌شود.

ماده ۴۶۹ - اگر با مراجعه به دو نفر کارشناس عادل مقدار جنایت روشن شود طبق آن عمل می شود وگرنه در صورت لوٹ، با قسامه مدعی حسب مورد حکم به نفع او صادر خواهد شد.

فصل بیست و چهارم - دیه صوت و گویایی

ماده ۴۷۰ - از بین بردن صوت شخص بطور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند.

ماده ۴۷۱ - از بین بردن گویائی بطور کامل که نتواند اصلاً سخن بگوید نیز دیه کامل دارد.

ماده ۴۷۲ - در جنایتی که موجب نقصان صوت شود ارش است.

ماده ۴۷۳ - ارش جنایتی که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با مصالحه معلوم گردد.

فصل بیست و پنجم - دیه زوال منافع

ماده ۴۷۴ - جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار شود به ترتیب زیر ارش دارد.

الف - در صورت دوام آن در کلیه ایام تا پایان هر روز ديه کامل دارد.

ب - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا نیمی از هر روز دو ثلث ديه دارد.

ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا هنگام برآمدن روز ثلث ديه دارد.

تبصره - هرگاه سلس و ریزش ادرار در بعضی از روزها بود و بعداً خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود.

ماده ۴۷۵ - اعمال ارتكابی زیر باعث ارش است:

الف - باعث از بین رفتن انزال شود.

ب - قدرت تولید مثل و بارداری را از بین ببرد.

ج - لذت مقاربت را از بین ببرد.

ماده ۴۷۶ - جنایتی که باعث از بین رفتن توان مقاربت

بطور کامل شود ديه کامل دارد.

ماده ۴۷۷ - در هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی

از منافع گردد مانند خواب - لمس یا موجب پدید آمدن بعضی

از بیماریها شود و ديه آن معین نشده باشد ارش تعیین می شود.

ماده ۴۷۸ - هرگاه آلت رجولیت مرد از محل ختنه گاه و یا

بیشتر قطع شود ديه کامل دارد و کمتر از ختنه گاه به نسبت

مساحت ختنه گاه احتساب می گردد و به همان نسبت از ديه

پرداخت خواهد شد.

ماده ۴۷۹ - هرگاه آلت زنانه کلاً قطع شود دیه کامل دارد و هرگاه یک طرف آن قطع شود نصف دیه دارد.

باب دهم - دیه جراحات

فصل اول دیه جراحی سر و صورت

ماده ۴۸۰ - دیه جراحی سر و صورت به ترتیب زیر است:

۱- حارصه: خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود - یک شتر.

۲- دامیه: خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد - دو شتر.

۳- متلاحمه: جراحی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد - سه شتر.

۴- سمحاق: جراحی که از گوشت بگذرد و به پوست نازک روی استخوان برسد - چهار شتر.

۵- موضعه: جراحی که از گوشت بگذرد و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کرده - پنج شتر.

۶- هاشمه: عملی که استخوان را بشکند گرچه جراحی را تولید نکرده باشد - ده شتر.

۷- منقله: جراحی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان

ميسر نباشد - پانزده شتر .

۸- مامومه: جراحتی که به کیسه مغز برسد ثلث ديه کامل و

يا ۳۳ شتر ديه دارد.

۹- دامغه: جراحتی که کیسه مغز را پاره کند غير از ثلث ديه

کامل ارش بر او افزوده می‌گردد.

تبصره - ديه جراحت گوش و بينی و لب در حکم جراحات

سر و صورت می‌باشد.

ماده ۴۸۱ - هرگاه یکی از جراحتهای مذکور در بندهای ۱ تا

۵ در غير سر و صورت واقع شود در صورتیکه آن عضو دارای

ديه معين باشد بايد نسبت ديه آن را با ديه کامل سنجيد آنگاه به

مقدار همان نسبت ديه جراحتهای فوق را که در غير سر و صورت

واقع می‌شود تعيين گردد و در صورتی که آن عضو دارای ديه

معين نباشد دادن ارش لازم است.

تبصره - جراحات وارده به گردن در حکم جراحات بدن

می‌باشد.

فصل دوم - ديه جراحتی که به درون بدن انسان وارد می‌شود

ماده ۴۸۲ - ديه جراحتی که به درون بدن انسان وارد

می‌شود به ترتيب زیر است:

الف - جائقه - جراحتی که با هر وسیله و از هر جهت به

شکم یا سینه یا پشت و یا پهلوی انسان وارد شود ثلث دیه کامل است.

ب - هرگاه وسیله‌ای از یک طرف بدن فرو رفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد دو ثلث دیه کامل دارد.
تبصره - وسیله واردکننده جراحت اعم از سلاح سرد و گرم است.

فصل سوم - دیه جراحی که در اعضاء انسان فرو می‌رود

ماده ۴۸۳ - هرگاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتیکه مجنی علیه مرد باشد دیه آن یکصد دینار و در صورتی که زن باشد دادن ارش لازم است.

باب یازدهم - دیه جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم شود

ماده ۴۸۴ - دیه ضربتی که در اثر آن رنگ پوست متغیر گردد به قرار زیر است:

الف - سیاه شدن صورت بدون جراحت و شکستگی شش دینار.

ب - کبود شدن صورت سه دینار.

ج - سرخ شدن صورت يك دينار و نيم .

د - در ساير اعضاء بدن در صورت سياه شدن سه دينار و در صورت كبود شدن يك دينار و نيم و در صورت سرخ شدن سه ريع دينار است.

تبصره ۱ - فرقى در حكم مذكور بين زن و مرد و كوچك و بزرگ نيست و همچنين فرقى ميان تغيير رنگ صورت يا قسمتى از آن و نيز فرقى بين آنكه اثر جنائت مدتى بماند يا زائل گردد نمى باشد.

تبصره ۲ - جنائتى كه باعث تغيير رنگ پوست سر شود دادن ارش لازم است.

ماده ۴۸۵ - جنائتى كه موجب تورم شود دادن ارش لازم است و اگر موجب تورم و تغيير رنگ شود ارش آن بر ديه كه قبلاً بيان شد افزوده مى شود.

ماده ۴۸۶ - ديه فلج كردن هر عضوى كه ديه معين دارد دو ثلث ديه همان عضو است و ديه قطع كردن عضو فلج ثلث ديه همان عضو است.

باب دوازدهم - ديه سقط جنين

ماده ۴۸۷ - ديه سقط جنين به ترتيب زير است:

۱- ديه نطفه كه در رحم مستقر شده بيست دينار.

- ۲- دیه علقه که خون بسته است چهل دینار.
- ۳- دیه مضغه که بصورت گوشت درآمده است شصت دینار.
- ۴- دیه جنین در مرحله‌ای که بصورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دینار.
- ۵- دیه جنین که گوشت و استخوان‌بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار.
- تبصره - در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمی‌باشد.
- ۶- دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبه باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود.
- ماده ۴۸۸ - هرگاه در اثر کشتن مادر، جنین بمیرد و یا سقط شود دیه جنین در هر مرحله‌ای که باشد باید بر دیه مادر افزوده شود.
- ماده ۴۸۹ - هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله‌ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی‌برد.
- ماده ۴۹۰ - هرگاه چند جنین در یک رحم باشند بعدد هر یک از آنها دیه جداگانه خواهد بود.
- ماده ۴۹۱ - دیه اعضاء جنین و جراحات آن به نسبت دیه

همان جنین است.

ماده ۴۹۲ - دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد بر عهده جانی است و در موارد خطای محض بر عاقله اوست خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد.

ماده ۴۹۳ - اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشاء انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد دیه و ارش ندارد لکن اگر در اثر آن صدمه‌ای بر مادر وارد شده باشد بر حسب مورد جانی محکوم به پرداخت دیه یا ارش خواهد بود.

باب سیزدهم - دیه جنایتی که بر مرده واقع می‌شود

ماده ۴۹۴ - دیه جنایتی که بر مرده مسلمان واقع می‌شود به ترتیب زیر است:

الف - بریدن سر یکصد دینار.

ب - بریدن هر دو دست یا هر دو پا یکصد دینار و بریدن یک دست و یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پا ده دینار و قطع یا نقص سایر اعضاء و جوارح به همین نسبت ملحوظ می‌گردد.

تبصره - دیه مذکور در این ماده به عنوان میراث به ورثه نمی‌رسد بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت می‌گردد و در راههای خیر صرف می‌شود.

ماده ۴۹۵ - در کلیه مواردی که بموجب مقررات این قانون ارزش منظور گردیده با در نظر گرفتن دیه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت میزان خسارت وارده طبق نظر کارشناس تعیین می شود.

ماده ۴۹۶ - در این قانون مواردی از دیات که دیه بر حسب دینار یا شتر تعیین شده است شتر و دینار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از دیه کامله است و جانی در انتخاب نوع آن مخیر می باشد.

ماده ۴۹۷ - کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند ملغی است.

موضوع «مجازات اسلامی» مشتمل بر چهار صد و نود و هفت ماده و یکصد و سه تبصره که طبق اصل هشتاد و پنج قانون اساسی در جلسه‌ی روز سه شنبه هشتم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و شصت و نه با پنج سال مدت اجرای آزمایشی آن موافقت گردیده و ماده ۵ آن مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته، در اجرای اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی در جلسه‌ی روز پنجشنبه مورخ هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و هفتاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و ماده ۵ لایحه‌ی فوق الذکر عیناً به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام - اکبر هاشمی رفسنجانی

کتاب پنجم - تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده

روزنامه رسمی شماره ۱۴۹۴۳ مورخ ۱۳۷۵/۴/۴

فصل اول - جرایم ضدامنیت داخلی و خارجی کشور

ماده ۴۹۸ - هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.

ماده ۴۹۹ - هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است.

ماده ۵۰۰ - هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمانها مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۱ - هر کس نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالماً و عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا

از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می‌شود.

ماده ۵۰۲ - هر کس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاسوسی شود بنحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۳ - هر کس به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذیصلاح در حال نقشه‌برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شوند.

ماده ۵۰۴ - هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می‌شود والا چنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیراین صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود.

ماده ۵۰۵ - هر کس با هدف بر هم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه‌بندی شده را با پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع‌آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیراین صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۰۶ - چنانچه مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده می‌باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند.

ماده ۵۰۷ - هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری مؤثری بعمل آورد از مجازات معاف و در صورتیکه شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۸ - هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم بهر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتیکه